

پرسش ۸۲۱: رؤیاهایی در خصوص شهادتین، مهدی(ع)، ماهها و غیره

السؤال / ۸۲۱: بسم الله الرحمن الرحيم، وصلى الله على نبينا محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على نبينا محمد و آله الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

السلام عليك وأهلاً بك يا ابن فاطمة البتول يا سرّها المستودع فيها، والحمد لله أن هدانا لمعرفة حقك، والحمد لله سيدي إنني علمت بقدمك ليس من بشر لكن وحيّاً من الله تعالى قبل أن أسمع بكم في هذا العالم الجسماني بسنين، والرؤيات التي أريد أن تتفضل عليه بتأويلها وهي:

ای فرزند فاطمه‌ی بتول، ای سرّ به ودیعه نهاده شده در او، سلام و درود به تو. سپاس خدایی که ما را بر شناخت حق شما، هدایت فرمود. آقای من! سپاس خدای را که من به گام‌های شما آگاه شدم؛ ولی نه توسط یک انسان، بلکه با وحیی از جانب خداوند متعال و دو سال پیش از شنیدن دعوت شما در این عالم جسمانی. رؤیاهایی که مایلم تفصّل فرموده، تأویل شان کنید، به شرح زیر است:

قبل سماعي بالدعوة سيدي لقد بعثت لكم هذه الرؤى لأجل أن تفسروها لي لكن لم يصلني الرد، ويمكن بسبب إنني غيرت بعد أن نسيت عنوان بريدي الالكتروني فارجوا أن تفسر لي هذه الرؤى أيها الصديق يوسف آل محمد (صلى الله عليه وآله).

سرورم، پیش از اینکه دعوت شما را بشنوم، این رؤیاهای را برایتان فرستادم تا آنها را برایم تفسیر کنید؛ ولی پاسخی به من داده نشد. شاید به خاطر تغییر دادن آدرس پست

الکترونیکی ام پس از فراموش کردن عنوانش باشد. ای راستگو، ای یوسف آل محمد(ع)! امیدوارم این رؤیایها را برایم تفسیر کنید.

لقد رأيت قبل سماعي بدعوتكم المباركة في عالم الملكوت وكانت رؤى واضحة جداً أولاً، وأنا في ليلة أرمى السماء بنظري وإذا بي أرى في السماء يكتب بأحرف من نور لا إله إلا الله محمد رسول الله وتكرر نفس الرؤيا في أيام لاحقة، وتكرر أيضاً في أن تكتب هذه الكلمات بالنجوم أي الشهادتين. ورأيت بعدها إنني آمنت بأن المهدي (عليه السلام) قد ظهر ورحت أدعو الناس لإيمان به ورحت أقول ألا وأن لكل مأموم إمام يستضيء بنور علمه ألا وأن إمامكم الإمام المهدي (عليه السلام) قد ظهر فأمنوا، وعندما استيقظت من الرؤيا استغربت وقلت هل ظهر الإمام (عليه السلام) ولكني لم أسمع به في عالم الشهادة، ولكنني نسيت الروية هذه، وعندما علمت بدعوتكم في هذا العالم وكنت أقول للإخوة الأنصار باركهم الرب أنتم شاهدتم الرؤى وأنا لم أرى، وبعد تذكيري بكم وإيماني بهذا العالم بدعوتكم المباركة كنت أمشي في سيارتي ووجهت سلامي لكم مباشرة لأول مرة بيني وبين الله ورحت أقول السلام عليك يا إمامي يا أحمد يا ولي الله يا حجة الله تذكرت على الفور الرؤيا التي كنت قد رأيتها بأنني كنت ادعوا لإمام (عليه السلام) فبكيت بكاءً شديداً، وتأولت هذه الرؤيا في الدنيا وصدمت بكمية العميان فيها وعلمت أن الله تعالى يخاطبني ويقول لي أن الذي رأيت في الرؤيا ودعوت له هو المهدي الأول (عليه السلام).

پیش از شنیدن دعوت مبارک شما، در عالم ملکوت رؤیایی دیدم و رؤیا واقعاً روشن بود. من شبی با دقت به آسمان نگاه می کردم. دیدم که آسمان با حرفهایی از نور نوشته شده است: لا اله الا الله، محمد رسول الله. این رؤیا در روزهای بعدی نیز تکرار شد. همچنین اینگونه تکرار شد که این کلمات یعنی شهادتین- با ستارهها نگاشته شدند. و پس از آن دیدم که ایمان آوردم که مهدی(ع) ظهور کرده است و رفتم تا مردم را به ایمان آوردن به ایشان دعوت کنم. می رفتم و می گفتم: آگاه باشید که برای هر مأمومی، امامی است که از نور علمش، نور می گیرد؛ امام شما، امام مهدی(ع) ظهور کرد؛ پس به ایشان ایمان بیاوید. وقتی از رؤیا بیدار شدم، بعید شمردم و گفتم: آیا

امام(ع) ظهور کرده است؟ ولی این را در عالم شهادت (دنیا) نشنیدم و این رؤیا را فراموش کردم. هنگامی که در این عالم، دعوت مبارک شما را شنیدم، در حالی که به برادران انصار می‌گفتم پروردگار، شما را برکت داد، شما رؤیا دیدید و من نمی‌بینم. پس از یادآوری شما و ایمان آوردنم در این عالم به دعوت مبارک شما، با ماشین خودم در حال رفتن بودم و برای اولین بار و بین خودم و خدایم، سلام خود را به شما فرستادم و می‌گفتم: ای امام من، ای احمد! سلام علیک. ای ولیّ خدا. ای حجت خدا. فوراً رؤیایی را که دیده بودم و در آن برای امام(ع) دعوت می‌کنم، به یاد آوردم. بسیار گریه کردم و این رؤیا در این دنیا تأویل شد.... میزان نادانی‌ام در آن را دانستم و فهمیدم که خداوند متعال مرا خطاب قرار داده و به من فرموده است: کسی که در رؤیا دیدم و به سوی او دعوت می‌کردم، مهدی اول(ع) بود.

أما الرؤيات الأخرى التي رأيتها هي أنني في باطن الكعبة رأيت إثنان أقزام سود وهم يدخنون فطردتهم وصليت في الكعبة.

اما رؤیای دیگری که دیدم به این صورت بود که من داخل کعبه بودم و دو سیاهپوست قد کوتاه را دیدم که سیگار می‌کشند. من آنها را راندم و دور کردم و در داخل کعبه‌ی شریف نماز خواندم.

والرؤيا الأخرى إنني بعد أن أحييت ليلة القدر في الثالث والعشرين من شهر رمضان ونمت رأيت الملائكة تنزل في ليلة القدر وبعد تصديقي بكم في عالم الدنيا في شهر رمضان كنت أنام وأشعر بأنني سعيد جداً في عالم آخر، ومن ثم في نفس شهر رمضان رأيت أنّ السماء انفتحت وروحي صعدت إلى السماء وهي معلقة بجسدي في الدنيا وقلبي يخفق ولكنني يقيناً فتحت لي السماء وصعدت اليها وكنت أرى النجوم لم أرى سيدي مثل ذلك في حياتي أبداً، فهل هي ليلة القدر سيدي وهل هي شبيهه قول الله تعالى لو نشأ لفتحنا عليهم باب من السماء إلى آخر الآية الكريمة، ومن ثم رأيت أربع أقمار فقلت في نفسي من العادة أن أرى قمر واحد

فلا بد أنه سيحدث شيء في الدنيا، وكانت هذه الأقمار الأربعة مكتملة، وبعد قليل رأيت قمراً منهم يقترب من الأرض ويكبر بمئات المرات من القمر العادي وهو ينظر لي ويدور باتجاه القبلة ونوره يضيء الأرض، ومن ثم شكرت الله وسجدت شاكراً نحو القبلة لكن كان معي أحدهم لم أعرفه وقمت من النوم وشعرت إنني في عالم الملكوت شعور من عالم مختلف، وبعدها رأيت أنّ الرسول ص مسجى وبعد أن قال الوصية ظهر القائم الأول أحمد (عليه السلام) مع أصحابه بعد أن أخذ الرسول ص ليواري الثرى أفيدونا أفادكم الله ونصرنا بكم وبنا سادتي والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته حجتى أحمد الحسن (عليه السلام).

المرسل: ابنكم عبد الوهاب عثمان - السويد/ مالمو

و رؤياى ديگر: در شب قدر پس از اينکه شب ۲۳ ماه رمضان را احيا گرفتيم و خوابيدم، ديدم فرشتگانی از نور بر زمين فرود می آيند. پس از تصديق شما در عالم دنيا، در ماه رمضان خوابيدم و احساس کردم در جهانی ديگر بسيار خوشبخت می باشم. به دنبال آن در همين ماه رمضان ديدم آسمان باز شد و روحم به آسمان بالا رفت در حالی که در دنيا به جسد من آویزان است و قلبم می زند. ولی يقين داشتم که آسمان برای من باز شده است و بالا رفتم. ستارگان را می ديدم و آقای من، در زندگی ام چنين چیزی را هرگز ندیده بودم. آیا اين شب قدر است، آقای من، و آیا اين مشابه سخن خداوند متعال است: (اگر می خواستيم، برای ايشان دربی از آسمان باز می کرديم) تا آخر آيهی کریم. چهار ماه را ديدم و با خودم گفتم: بايد طبق معمول يك ماه بينم؛ پس بايد اتفاقی در دنيا افتاده باشد. اين چهار ماه، کامل بودند. پس از مدتی ديدم که یکی از ماهها، به زمين نزديک می شود و صد برابر ماه عادی بزرگ می شود، به من نگاه می کند و به سوی قبله می چرخد و نورش زمين را نورانی می کند. اينجا بود که خدا را شکر کردم و به سوی قبله از خداوند تشکر کردم. ولی یکی با من بود که آن را نمی شناسم و از خواب بيدار شدم و احساس کردم که من در عالم ملکوت هستم؛ احساسی از عالمی ديگر. پس از آن ديدم که رسول خدا(ص) کفن شده است؛ بعد از آنکه وصيت را فرمود و پس از اينکه حضرت(ص) را دفن کردند، قائم اول احمد(ع)

همراه با یارانش ظاهر شد. ما را بهره‌مند سازید، خداوند شما را بهره‌مند سازد و با شما و با ما، ما را یاری دهد، آقایان من. والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته، حجت من، احمدالحسن(ع).

فرستنده: فرزند شما، عبدالوهاب عثمان - سوئد - مالمو

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، رؤاك كلها خير وفضل من الله عليك، وقد أوحى الله لك بالغيب كما أوحى للأنبياء (عليه السلام) فاحمد الله أن تفضل عليك بهذا الفضل العظيم وإن شاء الله أنت من الموفقين، وأسأل الله لك الثبات على الحق ونصرته، وإن شاء الله تأويل بعض رؤاك أن الله سيتفضل عليك بنصرة المهديين والله ولي التوفيق، أسأل الله لك أن تبقى على الحق وأن يثبتك الله عليه أبداً ما حييت هو وليي وهو يتولى الصالحين، واعتذر لك عن تفصيل رؤاك مرة أخرى فإن كانت قد فقدت فيما مضى فهذه مشيئة الله فلنسلم لما يريد الله سبحانه، والحمد لله رب العالمين.

خداوند بر هر خیری توفیقت دهد. همه‌ی رؤیاهای شما خیر و فضلی از سوی خداوند بر شما می‌باشد. خداوند با غیب به شما وحی نمود، همان‌طور که به پیامبران(ع) وحی نمود. به پاس فضل خداوند با این تفضل بزرگ به تو، خدا را ستایش کن. ان شاء الله شما از توفیق یافتگان می‌باشی. از خداوند برای شما، ثابت بودن و یاری دادن آن را خواستارم. ان شاء الله تأویل برخی از رؤیاهایت این است که خداوند با یاری

دادن مهديين بر شما تفضل مي فرمايد و خداوند توفيق رسان است. از خداوند خواستارم که بر حق باقي بمانی و تا زمانی که زنده ای، خداوند تو را بر آن ثابت بدارد. او سرپرست من است و سرپرست شايستگان. از اينکه دوباره رؤيائت را به تفصيل بيان کردی، از شما عذر مي خواهيم. اگر آن را در گذشته از دست رفته است، خواست خداوند چنين بوده است و بايد تسليم اراده ي خداوند سبحان باشيم. والحمد لله رب العالمين.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / 1432 هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ هـ

